

# مهندسی یک رابطه مالی

رژیم مالی  
مناسب  
بین دولت  
و شرکت  
ملی نفت  
کدام است

صورتی که انگیزه‌های سازمانی از طریق استقرار سیستم بنگاهداری دولتی حاکم نگردد، حداکثرسازی کارایی فنی و اقتصادی مخدوش شده و در پی آن دستیابی به هدف حداکثرسازی درآمدهای نفتی نیز محقق نشده است.

در مقاله ذیل سیر تحولات در رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت، بر اساس اطلاعات موجود در گزارش صورت‌های مالی شرکت ملی نفت ایران در دو دوره قبل و بعد از انقلاب مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

## بخش اول: قبل از انقلاب اسلامی

### الف- دوره اول

تا قبل از انقلاب اسلامی، شرکت ملی نفت ایران از طرف دولت نقش متولی صنعت نفت را ایفا می‌کرد، لذا کلیه فعالیت‌های صنعت نفت اعم از بالادستی و پایین‌دستی راسا و یا تحت‌نظر این شرکت انجام می‌گرفت. کلیه درآمدهای حاصل از فروش فرآورده‌های نفتی در داخل

نحوه گردش مالی بین دولت و شرکت ملی نفت، در سال‌های اخیر محل مناقشات سیاسی بسیار بوده است. از دید سیاسی، مسائلی چون شفاف‌نبودن گردش مالی و عدم واریز کلیه درآمدهای شرکت ملی نفت به خزانه کشور و از دید اقتصادی، حاکم نبودن قواعد و نگرش شرکتی در شرکت ملی نفت مورد توجه بوده است. در ابتدای برنامه چهارم تلاش‌هایی صورت گرفت که یک رژیم مالی جدید با وضع بهره مالکانه صورت گیرد که این امر سرانجامی نیافت.

در برقراری یک رژیم جدید باید بگونه‌ای عمل شود که از یک سو درآمدهای دولت در این بخش حداکثر شود و از سویی دیگر شرکت ملی نفت که نقش مدیریت بخش نفت و گاز را بر عهده دارد بر اساس ساز و کارهای شرکتی و نه اداری اداره شود. تجربه نشان داده در

و خارج، صادرات نفت خام، فروش گاز طبیعی و سایر محصولات نفتی و همچنین سود ناشی از سرمایه‌گذاری‌های شرکت ملی نفت در داخل و خارج از کشور و همچنین سهم درآمدی ایران در قراردادهای لاپکو، ایپاک، ایمینو و سربپ و بهره مالکانه (سهم ۱ درصد به عنوان ذخیره عمومی) نیز ابتدا به حساب درآمد این شرکت واریز می‌شد و شرکت ملی نفت نیز از محل این درآمدها علاوه بر تامین هزینه‌های خود مبالغی را تحت عنوان ذخایر و اندوخته‌ها (ذخیره عمومی، اندوخته مخصوص برای جبران بخشی از هزینه‌های سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری‌ها) از آنها برداشت کرده و مابقی را تحت عنوانی چون مالیات بر عملکرد، سود صاحب سهام، بهره مالکانه و پرداخت‌های اضافی (پرداخت‌های مخصوص و رقم تعدیلی بابت افزایش قیمت نفت صادر شده توسط شرکت‌های بازرگانی کنسرسیوم و شرکت‌های وابسته طرف قرارداد) به دولت پرداخت نموده است.

نکته قابل توجه در این روال، این است که شرکت ملی نفت به عنوان یک شرکت عملیاتی اجازه داشت که کلیه فعالیت‌های لازم در مسیر اکتشاف، بهره‌برداری و فروش نفت را با استفاده از منابع حاصل از عملکرد خود (البته با مجوزهای دولت در قالب بودجه مصوب) انجام داده و کلیه این فعالیت‌ها را در حساب سود و زیان متمرکز نماید. سپس در قالب مالیات بر عملکرد و سود صاحب سهام (دولت) مبالغی را به خزانه دولت واریز می‌کرد.

همچنین از سایر دریافت‌های مستقیم که تحت عنوان بهره‌مالکانه یا رقم تعدیلی جهت پرداخت به دولت از طرف‌های خود دریافت می‌نمود، درصدی (۱ درصد طبق اساسنامه) را به عنوان ذخیره عمومی کسر و مابقی را به دولت پرداخت می‌کرد. منابع حاصل از ذخیره عمومی و الباقی درآمدهای باقی‌مانده که تحت عنوان اندوخته‌ها در شرکت نگه‌داری می‌شد به مصرف هزینه‌های سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری‌ها می‌رسید.

در این رابطه مالی که می‌توان آن را رژیم مالی نیز نامید اگر چه بخش مهمی از درآمدهای نفتی به دولت پرداخت می‌شد اما با شفاف بودن حساب عملکرد شرکت ملی نفت و فعالیت در فضای تجاری، امکان مقایسه عملکرد شرکت با شرکت‌های مشابه با استفاده از آمارهای مالی و عملیاتی فراهم می‌آمد. همچنین مدیریت شرکت قادر بود در چارچوب فضای واقعی به رفع نیازها و ارائه عملکردی قابل قبول در رابطه با اهداف تعیین شده (حداکثر کردن منافع ملی در صنعت نفت) بپردازد، ضمن آن که با پرداخت سهم دولت در قالب مالیات، سود سهام، بهره مالکانه و ... نیازهای کشور نیز مرتفع

می‌شد.

### ب: دوره دوم

تصویب تبصره ۲۸ قانون بودجه سال ۱۳۵۸ سبب شد که قوانین بودجه‌ای، صورت‌های مالی شرکت ملی نفت را تحت‌تاثیر قرار دهد لذا به عنوان مبنای تقسیم‌بندی دوره‌های تفکیک شده مورد توجه قرار گرفته و بر این اساس دوره دوم یعنی سال‌های ۷۸-۱۳۵۸ خود به ۴ زیر دوره تقسیم شده است.

#### ب - ۱. دوره ۶۵-۱۳۵۸

ویژگی این دوره این است که کلیه درآمدهای ناشی از صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی، فروش فرآورده‌های نفتی در داخل، فروش گاز طبیعی و سایر درآمدهای متفرقه شرکت در قالب حساب عملکرد سود و زیان این شرکت متمرکز گردیده و پس از کسر کلیه هزینه‌های شرکت اعم از مرتبط یا غیرمرتبط، سود ویژه حاصل می‌گردد. شرکت پس از کسر مالیات بر عملکرد (طبق قوانین مالیاتی روز) و پرداخت آن به دولت، باقی‌مانده را همراه با سایر درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های وابسته و خرید سهام شرکت‌های دیگر در قالب حساب درآمد پس از کسر ذخیره عمومی و اندوخته‌ها تحت عنوان سود صاحب سهام به دولت پرداخت می‌نمود.

تفاوت رابطه مالی این دوره با دوره قبل (قبل از انقلاب تا سال ۱۳۵۸) این است که اولاً تا قبل از سال ۱۳۵۸، صادرات نفت ایران توسط شرکت‌های بازرگانی عضو کنسرسیوم، شرکت‌های مشترک طرف قرارداد با ایران در فلات قاره و همچنین توسط شرکت ملی نفت ایران صورت می‌گرفت که هر یک با سیستم جداگانه‌ای در حساب‌ها منعکس می‌شد. شرکت‌های بازرگانی عضو کنسرسیوم علاوه بر پرداخت قیمت توافقی در قرارداد کنسرسیوم تحت عنوان پرداخت مشخص (بهره‌مالکانه سهم دولت ایران به میزان ۱۶/۶۷ درصد ارزش کل فروش نفت خام) مبلغی را بابت رقم تعدیلی و همچنین پرداخت مخصوص ناشی از افزایش قیمت جهانی نفت به دولت ایران پرداخت می‌کردند.

شرکت‌های عامل در قراردادهای مشارکت در تولید مانند سربپ، ایپاک، لاپکو، ایمینو کو نیز علاوه بر پرداخت بهره‌مالکانه سهم نفت خود (۵۰ درصد تولید) و همچنین پرداخت مالیات بر عملکرد خود به دولت ایران، سود ناشی از مشارکت شرکت ملی در این قراردادها را نیز به شرکت ملی نفت پرداخت می‌کردند. بخشی از نفت تولیدی نیز به عنوان سهم دولت ایران چه از طریق شرکت‌های کنسرسیوم و یا از طریق شرکت‌های وابسته به شرکت ملی نفت تحویل می‌شد که به مصرف داخلی می‌رسید و یا صادر می‌شد.

کلیه درآمدهای ناشی از فروش داخلی و صادرات فرآورده و نفت خام توسط شرکت ملی نفت و همچنین درآمد ناشی از فروش گاز طبیعی، مایعات گازی و سایر درآمدهای متفرقه کالا در حساب سود و زیان شرکت ثبت می‌شد و از محل آن هزینه‌ها تولید نفت خام، تولید فرآورده و حمل و نقل و توزیع و فروش آن، مالیات و عوارض و اضافه‌بها فرآورده‌های فروش داخلی و هزینه‌های ستادی و متفرقه شرکت پرداخت می‌گردید و باقی‌مانده پس از کسر مالیات بر عملکرد، کل درآمد شرکت بود. از طرف دیگر با واریز کلیه پرداخت‌های شرکت بازرگانی عضو کنسرسیوم و طرف‌های قرارداد ایران در عملیات سربپ، لاپکو و ... و سود سهام سرمایه‌گذاری خارجی، شرکت ملی نفت پس از کسر یک درصد از آنها به عنوان ذخیره عمومی و کسر سایر اندوخته‌ها طبق اساسنامه شرکت، سهم دولت را به خزانه واریز می‌نمود.

در دوره ۶۵-۱۳۵۸ کلیه صادرات نفت خام و فرآورده راساً توسط شرکت ملی نفت انجام می‌شد و طبق تبصره ۲۸ قانون بودجه سال ۱۳۵۸ می‌بایست مستقیماً به خزانه دولت واریز گردد اما علی‌رغم این مصوبه در صورت‌های مالی، این پرداخت در قالب حساب عملکرد و تحت عنوانی مالیات بر عملکرد و سود صاحب سهام صورت گرفته است. در این دوره هزینه‌های سرمایه‌گذاری‌ها و بازپرداخت وام‌های شرکت نفت علاوه بر منابع حاصله از ذخیره عمومی طبق اساسنامه از محل سود صاحب سهام تامین و مابقی به دولت پرداخت می‌شد.

بنابراین ویژگی‌های مهم این دوره:

- الف. یک کاسه‌شدن کلیه درآمدهای ناشی از صادرات نفت خام و فرآورده؛
- ب. حذف درآمدهای ناشی از بهره مالکانه، رقم تعدیلی، سود عملیات شرکت‌های طرف دوم قراردادهای مشارکت از حساب درآمد کل شرکت ملی نفت؛
- ج. پرداخت کلیه درآمدهای ناشی از صادرات نفت خام و فرآورده به دولت از طریق حساب سود و زیان و از طریق حساب درآمد کل و در قالب ارقام مالیات بر عملکرد و سود صاحب سهام؛
- د. تامین کسری اعتبارات طرح‌های سرمایه‌ای از محل سود صاحب سهام به جای اعتبارات ملی؛
- ذ. در این دوره شرکت ملی نفت به عنوان یک شرکت عملیاتی در هر دو بخش بالادستی و پایین‌دستی فعالیت می‌نمود و درآمدهای ناشی از فعالیت در هر دو بخش (صادرات نفت خام و تولید و فروش فرآورده‌های نفتی) را در چارچوب حساب عملکرد خود مدیریت می‌کرد. □